

نامه مشترک ایران، روسیه و چین درباره قطعنامه ۲۲۳۱

ایران، روسیه و چین روز شنبه ۲۶ مهر/ ۱۸ اکتبر، در نامه مشترکی به رئیس دوره‌ای شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل اعلام کردند: بر اساس بند عملیاتی ۸ قطعنامه ۲۲۳۱، تمام مفاد آن پس از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ خاتمه یافته است و اختتام کامل و به موقع قطعنامه ۲۲۳۱ به منزله پایان بررسی موضوع هسته‌ای ایران در شورای امنیت است؛ امری که موجب تقویت اقتدار شورا و اعتبار دیپلماسی چندجانبه می‌شود. تهران، مسکو و پکن در نامه خود به آنتونیو گوتروش دبیرکل سازمان ملل و همچنین رئیس دوره‌ای شورای امنیت (روسیه) در ماه اکتبر) خواستار این شدند که این نامه به عنوان سند رسمی شورای امنیت سازمان ملل منتشر شود.

انتشار نخستین تصاویر از پر تابگرهای جدید هوافضای سپاه

در گزارشی از صداوسیما یکی از پایگاه‌های راهبردی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که محل استقرار صدها موشک راهبردی این نیروست، نشان داده شد.

این پایگاه، در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه توانست با دقت کامل و موفقیت بسیار بالا اهداف خود را منهدم کند. یک فرمانده ارشد هوافضا گفت: «دشمن آن چیزی که می‌گوید، نیست، ما در وعده صادق ۲، ۱ و ۳ به این رسیدیم که پدافند اسرائیل ضعیف است.» وی همچنین اضافه کرد: اهدافی که ما داشتیم، با وجود سانسورهای گسترده با دقت مورد اصابت قرار گرفت. در این گزارش، همچنین تصویری از پرتابگرها و موشک‌های جدید تحویل‌شده به نیروی هوافضای سپاه منتشر شد که در صورت وقوع هر نبرد احتمالی در جنگ علیه اهداف متخاصم به کار گرفته خواهد شد.

جنگ با ایران ۴۰ سال ذهن مرا مشغول کرده بود

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در مصاحبه با کانال ۱۴ تلویزیون رژیم که روز شنبه پخش شد، به افشای جزئیات تازه‌ای از همکاری آمریکا و اسرائیل در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و چگونگی موافقت دونالد ترامپ بااین عملیات پرداخت. نتایهاوه ادعا کرد جنگ با ایران به پایان نرسیده و هرگز پایان نخواهد یافت. وی با این ادعا که اسرائیل تا حد زیادی تهدید ایران را دفع کرد اما این جنگ هنوز ادامه دارد، اظهار داشت: «ما همچنان ایران را زیر نظر داریم». نتایهاوه جنگ با ایران را موضوعی خواند که ۴۰ سال ذهن او را مشغول کرده بود.

میدل‌ایست مانیتور: مقاومت ایران شکاف عمیق در نظم جهانی را آشکار می‌کند

میدل‌ایست مانیتور در گزارشی تصریح کرد انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ و استنکاف چین و روسیه و ۱۲۰ کشور از فرآیند اسنبک علیه ایران، نتایج و آثار قابل اعتنا و مهمی در پی داشته و نوشت: «آنچه این لحظه را از نظر تاریخی مهم می‌کند، نه صرفا خود مقاومت، بلکه همصدایی حمایتی است که ایران اکنون در سراسر جنوب جهانی دریافت می‌کند.

در نشست اخیر جنبش عدم تعهد، ۱۲۰ کشور به طور جمعی اعلام کردند هرگز اجرای ادامه‌دار قطعنامه ۲۲۳۱ را به رسمیت نمی‌شناسند و موضع خود را با تهران همسو کردند. چنین موضع جمع‌ای، یک دهه پیش، زمانی که تحریم‌های آمریکا تقریبا وزن جهانی داشت، غیرقابل تصور بود.»

این گزارش همچنین افزود: «جشم‌انداز بلندمدت تهران، همان‌طور که در توافقنامه‌های همکاری استراتژیک با پکن و مسکو بیان شده، ایجاد معماری‌های مالی و امنیتی موازی‌ای است که قادر به مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای سیاسی غرب باشد.»

اسکات ریتز:
تهران در جنگ ۱۲ روزه تل آویورا مجازات کرد

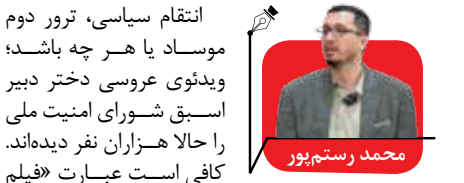
تفنگدار سابق نیروی دریای آمریکا با بیان اینکه «ایران با وجود جنگ، فناوری موشک بالستیک خود را حفظ کرد و حتی آن را توسعه داد.» گفت: ایران در جنگ ۱۲ روزه قطعا اسرائیل را مجازات کرد.

اسکات ریتز، نماینده و بازرس پیشین سازمان ملل در بخش سلاح‌های کشتار جمعی، تفنگدار سابق نیروی دریایی آمریکا و این منتقدان سیاست خارجی ایالات متحده، در گفت‌وگو با شبکه المپداین درباره ادعای سران رژیم صهیونیستی درباره منهدم کردن توان موشکی ایران ابراز تردید کرد و افزود: «با وجود اینکه آمریکا هم به کمک اسرائیل امداد آسیب‌ستم و سپر پدافند هوایی‌ای که تل‌آویو برای خود ایجاد کرد، موفق نشد در مقابل موشک‌های ایران مقاومت کند و ایران توانست آنها را بشکند.»

تورر معتمد بلوج در شهرستان سرباز

«هلاکمال صلاحی‌رهی» از معتمدان شناخته‌شده بلوج در شهرستان سرباز از توابع منطقه بلوچستان واقع در جنوب استان سیستان‌وبلوچستان صبح دیروز مورد سوءقصد قرار گرفت و به شهادت رسید. ملاکمال از چهارم‌های مورد اعتماد مردم منطقه و از مدافعان نظام جمهوری اسلامی بود که همواره در برابر جریان‌های معاند و مزدوران وابسته به صهیونیسم و استکبار جهانی مواضع صریح و قاطعی داشت.

روابط عمومی قرارگاه قدس جنوب شرق نیروی زمینی سپاه با صدور بیانیه‌ای جنابت اخیر گروهک‌های تروریستی در به شهادت رساندن بزرگان و سران طوایف اهل سنت استان سیستان‌وبلوچستان را بشدت محکوم کرد.



انتقام سیاسی، ترور دوم موساد یا هر چه باشد؛ ویدئوی عروسی دختر دبیر اسبق شورای امنیت ملی را حالا هزاران نفر دیده‌اند. کافی است عبارت «فیلم لورفته» یا «ویدئوی خصوصی» را در نوار بالایی هر موتور جست‌وجویی که می‌شناسید، وارد کنید و از نتایج پرشمار فهرست‌شده شگفت‌زده شوید. عده‌ای می‌گویند مسؤولان یا مقامات جمهوری اسلامی ایران درون متفاوتی نسبت به آنچه در بیرون نشان می‌دهند، دارند. عده‌ای معتقدند نوع پوشش زنان در عروسی‌های غیرمختلط یک امر متداول است و رفتار محبوب ششمخانی در مشایعت دخترش را نشانه‌ای از تقدید عمیق او به مسائل شرعی می‌دانند. عده‌ای هم ماجرا را از زاویه دیگری می‌نگرند. آیا اظهارات اخیر شمخانی بویژه درباره ماجرای هواپیمای اوکراینی، انگیزه انتقام‌جویی و انتشار این فیلم را به وجود آورده است؟ آیا موساد پس از ترور نافرجام شمخانی در بامداد ۲۳ خرداد، حالا رو به ترور شخصیت او آورده است؟ پاسخ این سولات هر چه باشد، باید موضوع را از زاویه‌ای مهم‌تر بررسی کرد. همین شنبه بود که حکم قضایی مصطفی کواکبیان برای اظهاراتی که درباره رابطه کاترین شکدم با آنچه او افراد بسیار مهم مملکت ادعا می‌کرد، اعلام شد. ۱۴ ماه حبس و ۲ سال منع فعالیت رسانه‌ای. کواکبیان به «اشاعت منکرات، نشر اکاذیب و انتشار اخبار نادرست» متهم شده بود و حالا ۲۴ ساعت نگذشته، علی شمخانی و خانواده او هدف حمله رسانه‌ای قرار گرفته‌اند. دربابان شُمخانی البته در همه ماه‌های پس از صبح ۲۳ خردادماه تحت فشار بوده است. برخی کوشیده‌اند ترور او در جنگ را زیر سوال ببرند، بعضی دیگر با اشاره به محل تروروش از مجلل بودن خانه و زندگی‌اش نوشته‌اند. تجربه خردادهای اینچنینی نشان می‌دهد اخبار در حد تردن باقی می‌ماند و ۳ روز دیگر، سوزه جدید تمام می‌شود اما آنچه می‌ماند، همچنان درماندگی و بی‌پناهی ذهن مردمی است که با انبوهی از پرسش‌ها و تردیدها همچنان زین فشار خردکننده معیشتی مقاومت می‌کنند و میهن‌پرستانه کوشش می‌کنند سره دفاع حیثیتی از ایران و ناسره توجیه اشتباهات و ناکارآمدی‌ها را از هم جدا کنند. بی‌آنکه با یک بررسی فنی بخواهیم درباره منبع یا شکل انتشار ویدئوی شُمخانی اظهارنظر کنیم، بیایید به آنچه در ۵ سال گذشته بر سر ذهن ایرانیان وارد آمده نگاه کنیم. با هر نگاه و تفسیری که داشته باشیم، مدافع یا مخالف مسؤولان جمهوری اسلامی باشیم، آنچه بیش از شُمخانی یا هر شخص دیگری قربانی می‌گیرد، امنیت روانی جامعه است. رهبر انقلاب، ۶ تیرماه ۱۴۰۲ در دیدار رئیس و مسؤولان قوه قضائیه تصریح کردند وظیفه قوه قضائیه فقط محکمه‌داری در دادسراها یا دادگاه‌ها نیست: «وظایف مهم دیگری در قانون اساسی بر عهده قوه قضائیه گذاشته شده. بدون یکی از آنها احیای حقوق

درباره فیلم منتشر شده علیه شُمخانی؛ از عملیات موساد تا ضرورت رعایت حقوق عامه

ترور زرد!



ما می‌خواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد». با این منطق، افشای ویدئوهای این‌چنینی، یک قربانی ندارد. اگرچه گفتن این حرف به دلیل آنکه قربانی، یک مسؤول حکومتی است، ممکن است سویه جانبدارانه‌ای پیدا کند و دفاع ضمنی از علی شُمخانی تلقی شود اما تنها در چنین موقعیت‌هایی است که توجه به چنین هشدارهایی وزن پیدا می‌کند. براساس یک ارزیابی عمومی از تأثیرات اجتماعی انتشار چنین ویدئوهایی، چنین مواردی، افزایش اضطراب فردی و از سوی دیگر بی‌حسی عاطفی در پی دارد. پخش مکرر ویدئوهای افشاگرانه می‌تواند جامعه را به خشونت یا نقض حریم خصوصی عادت دهد که این خود امنیت روانی را کاهش می‌دهد. این بی‌حسی عاطفی با همدلی اجتماعی نسبت و ارتباط مستقیم دارد؛ چیزی که در بحران‌ها وزنه اصلی روانی برای تحمل شرایط است. در نتیجه باید گفت اثر انتشار چنین ویدئوهایی به مرور زمان یک رسوب فکری ایجاد می‌کند و فرد را دچار نوعی بی‌اعتنایی به شرایط و کام‌بعد، خودخواهی می‌کند. ضمن آنکه تأثیر انتشار چنین ویدئوهایی که نوعی دهن‌کجی به مقاومت مردم در شرایط سخت اقتصادی کنونی است، فاصله ذهنی مردم و حکومت را زیاد کرده و به ساخت نوعی اتاق پژواک

یک دهه برای فهمیدن این واقعیت کافی بود؟

پایان توهم رفع تحریم



در سال‌های اخیر، نشانه‌هایی از این انطباق دیده می‌شود. کاهش ارزش ریال هرچند تورم‌زا بود اما صادرات کالاهای ایرانی را رقابتی‌تر کرد و سهم تولیدکنندگان داخلی را در بازارهای منطقه افزایش داد. با محدود شدن فروش نفت خام، فروش فراورده‌های نفتی و پتروشیمی جایگزین شد تا ارزش افزوده در داخل کشور شکل بگیرد. تجارت خارجی نیز به سمت آسیا و همسایگان چرخش یافت؛ تغییریری که نه فقط اقتصادی، بلکه ژئواقتصادی است. زیرا جایگاه ایران را از پیرامون نظام غربی به بازیگر فعال زنجیره جدید قدرت اقتصادی شرق منتقل می‌کند.

■ **راهکارهای کلیدی برای تاب‌آوری و رشد اقتصاد در شرایط تحریم**

نخستین گام برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها، بازتعریف نقشه روابط تجاری ایران است. تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی نه صرفا تصمیمی اقتصادی، بلکه اقدامی سیاسی در جهت خروج از مدار سلطه غرب است. ایران با اتکا به همسایگان، قدرتهای آسیایی و کشورهای مستقل می‌تواند ساختار مبادلات خود را از مسیر دلار و شبکه‌های مالی غرب جدا کند. توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه، تجارت ته‌اتری و تقویت مسیرهای حمل‌ونقل منطقه‌ای، در عمل «زیرساخت استقلال مالی» را ایجاد می‌کند و هژمونی دلار را به چالش می‌کشد. چنین تغییر ژئواقتصادی‌ای، بیانگر گذار ایران از وضعیت انفعال به کنشگری فعال در نظم چندقطبی جدید است.

در گام دوم، تولید و صادرات باید به ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تبدیل شود. رشد واقعی زمانی معنا دارد که ارزش افزوده در داخل خلق شود و کالاهای ایرانی در بازارهای منطقه جایگزین واردات شوند. حمایت از صنایع ملی، علاوه بر آثار اقتصادی، قدرت چانه‌زنی سیاسی کشور را نیز افزایش می‌دهد. کاهش وابستگی بودجه به نفت، حلقه مکمل همین سیاست

کمک می‌کند. اتاق پژواک در واقع محیطی سربسته است که امکان و احتمال هر شکلی از آشتی‌جویی و سازشکاری را نفی می‌کند و صدای مقابل را هر اندازه هم بپهرمند از منطق و استدلال باشد، بی‌معنا می‌کند. در نتیجه، صرف نظر از قربانی و اهداف ناشر چنین ویدئویی، آنکه ضرر می‌کند همه مردمند. امر ملی آنچنان که در دفاع در مقابل هجوم اسرانیل در کنش‌های شگفت‌آور فردی مانند نذر نان یا توزیع شربت در صف بنزین یا تخفیف اجناس به جای گران کردن آن، خود را نشان داد؛ با چنین ویدئوهایی از صلابت و استواری روزهای نخست می‌افتد. مخاطبان چنین ویدئوهایی اتفاقا تمام مردم ایرانند تا دفاع و مقاومت را بی‌حاصل ببینند. اگر روزی در شبکه‌های اجتماعی مدافعان حرم را مدافعان اسد می‌خواندند تا ارزش و اعتبار مجاهدت ملی‌گرایانه نیروهایی از سراسر ایران در دفاع از منافع ملی ایران، کیلومترها دورتر از جغرافیای ایران کم شود؛ امروز القای اینکه جنگ امروز، جنگ حکومت است و نه مردم، در دستور کار است؛ روزی با بایکوت نام و نشان شهدای غیرنظامی جنگ ۱۲ روزه و امروز با انتشار ویدئویی از یک مراسم خصوصی تا مسؤول جمهوری اسلامی، جدا از وضعیت مردم جمهوری اسلامی تصویر شود.

است، زیرا هرچه سهم درآمد نفتی کمتر شود، ظرفیت اعمال فشار غرب نیز کاهش می‌یابد. به جای فروش نفت خام، ایران باید صادرکننده فراورده‌های با فناوری و ارزش افزوده بالا شود. این چرخش درون‌زا، نه آرمان‌گرای، بلکه الزام بقا و توازن قدرت در عصر تحریم است.

با این حال، هیچ مقاومتی پایدار نیست مگر آنکه بر پایه‌ای اجتماعی استوار شود. اقتصاد مقاومتی اگر به قیمت تضعیف معیشت مردم تمام شود، خود به تهدیدی سیاسی بدل می‌شود. از این‌رو، طراحی شبکه تأمین اجتماعی کارآمد، پرداخت یارانه‌های هدفمند و تثبیت قدرت خرید طبقات متوسط و پایین، شرط پایداری راهبرد تاب‌آوری است. سیاست‌های مالی و پولی باید شفاف و پاسخگو باشد تا اعتماد عمومی نسبت به کارآمدی حاکمیت تقویت شود. در نهایت، زمانی می‌توان از مقاومت سخن گفت که اقتصاد مقاومتی از سطح برنامه دولتی فراتر رود و به اراده ملی و هویت جمعی در برابر فشار خارجی تبدیل شود.

■ **نقشه راه آینده ایران**

جمع تجربه‌های دهه گذشته، درس روشنی برای حاکمیت و جامعه دارد: تحت اقتصاد کشور در گرو بازتعریف رابطه میان سیاست و توسعه است. تا زمانی که نگاه به غرب، محور تصمیم‌سازی باقی بماند، استقلال اقتصادی دست‌نیافتنی خواهد بود. نه آمریکا و نه هیچ قدرت خارجی دیگری، شریک قابل اعتماد توسعه ایران نیستند، زیرا توسعه، در منطق آنها، فقط در حدی پذیرفته می‌شود که نظم نابرابر موجود را تهدید نکند.

راهبرد کنونی کشور – تعامل فعال با شرق و همسایگان، تکیه بر توان ملی و تداوم بازدارندگی – بنیان گفتمان جدیدی است که شکست وابستگی پیشین را آشکار کرده است. هرگاه ایران بر ظرفیت خود تکیه کرده، طرف مقابل ناچار به عقب‌نشینی شده است. این تجربه تاریخی باید نه خاطره‌ای از گذشته، بلکه مبنای بازسازی آینده باشد؛ هشداری به آنان که هنوز در رؤیای «اعتماد متقابل با غرب» هستند. اکنون زمان آن رسیده که مسؤولان جمهوری اسلامی، دل بستن به غرب را برای همیشه کنار بگذارند و تمام توان خود را صرف طراحی الگوی توسعه بومی و مقاومتی کنند؛ الگویی که اقتصاد را از گروگان اراده بیگانگان خارج کرده و به ابزار اقتدار ملی بدل سازد. چنین ایران مقاومی می‌تواند حتی زیر فشار تحریم‌ها، نه‌تنها دوام آورد، بلکه مسیر رشد، استقلال و بازسازی قدرت را ادامه دهد. اکنون دیگر کمتر کسی در ساختار تصمیم‌گیری تردید دارد که غرب تحریم را نه به عنوان ابزار مذاکره، بلکه به عنوان سازوکار مهار دائم ایران تعریف کرده است. تجربه برجام نشان داد هدف آمریکا نه «اعتمادسازی»، بلکه مهار توان راهبردی ایران بود. از برنامه موشکی تا سیاست منطقه‌ای، هر دستاوردی که قدرت ایران را افزایش دهد، پهنانه‌ای تازه برای تحریم تلقی شد. این تجربه تاریخی باید نه خاطره‌ای از گذشته، بلکه مبنای بازسازی آینده باشد؛ هشداری به آنان که هنوز در رؤیای «اعتماد متقابل با غرب» هستند.